

میر سید علی همدانی و «ذخیره الملوک» او

حاتم عصازاده*

میر سید علی همدانی (۱۳۱۴-۱۳۸۶م) نماینده‌ی بزرگ علم و ادب و فلسفه و حکمت عصرهای ۱۴ و ۱۵ میلادی مشرق زمین، در رواج و توسعه‌ی تعدادی از علوم زمان خویش سهم بسزا داشته است. این عارف شهیر با آفرینش اثرهای پرمضمون و بلنداندیشه از قبیل «چهل اسرار»، «ذخیره الملوک»، «ده قاعده»، «منهاج العارفین»، «مقامات صوفیه»، «آداب المشایخ»، «اوراد فتحیه»، «اوراد عصریه» و امثال اینها در آسمان معرفت، علم و ادب تا کنون چون ستاره‌ای نورپاشی می‌نماید.

«ذخیره الملوک» اثر مشهور علامه میر سید علی همدانی بوده، در بزرگترین کتابخانه‌های جهان، از جمله ایران، ازبکستان، انگلستان، روسیه و امریکا محفوظ می‌باشد. به جز چند عدد از نسخه‌ی محفوظ در گنجینه‌ی آثارخانه‌ی میر سید علی همدانی در جمهوری تاجیکستان، نسخه‌ی دیگر این اثر در گنجینه‌ی انستیتوی شرق‌شناسی و آثار خطی به شماره ۵۴۶ در برگه‌های (۱۵۶ تا ۱۵۷ب) نیز موجود می‌باشد.

در باره‌ی سال تألیف «ذخیره الملوک» در مأخذها و منابع علمی در اختیار ما، معلومات دقیق پیدا نکرده‌ایم. موضوع این اثر پرارزش را پند و نصیحت شاهان و حاکمان و دیگر طبقات جامعه‌ی آن زمان تشکیل می‌دهد. به پند شاهان و حاکمان رو آوردن علی همدانی بی‌سبب نبوده است. زمان زندگی و تألیفات این مرد فاضل به دوران حکمرانی سلسله‌ی تیموریان می‌رسد. همچنان که از اشاره‌ی منابع تاریخی برمی‌آید، بیشتر حاکمان این سلسله با اخلاق ذمیمه‌شان چون قتل و غارت، ظلم و استبداد «معرفی» گردیده‌اند.

هرچند که ارتباط امیر تیمور و بعضی نمایندگان خاندان او با علامه میر سید علی همدانی خوب نبود و پیوسته از آن‌ها آزار و شکنجه می‌دید، اما با وجود این، وی زبان از نصیحت باز نمی‌داشت و بی‌ترس و واهمه به شاهان و حاکمان زمانش سخن حق را ابراز می‌داشت، لذا این همه فاش‌گویی‌ها و حقیقت‌خواهی‌ها عاقبت باعث فرار و گرفتاری و مصیبت و اذیت او می‌گردید. عارف بزرگ بر این عقیده بود که اگر پادشاهان و حاکمان اهل خرد و ادب باشند، به سلطنت رعیت حق دارند و گرنه، نه.

عقیده‌ی شاه عادل و رعیت پرور در باب پنجم اثر که «در احکام ولایت و سلطنت و عمارت و حقوق رعایا و شرایط حکومت و خطر عهده‌ی آن و وجوب عدل و احسان» نامگذاری شده است، بسیار مفصل تحلیل گردیده است. حکیم با مقصد مؤثرگردانیدن اندرزهای خویش، از زندگی حاکمان عادل پیشین، از روزگار و خلافت خلفای اسلام و حتی پیامبران مرسل، در این باب اندرزهای فراوان استفاده نموده است: «و از زمان آدم، علیه‌السلام، چند شخص بیشتر نبودند از اکابر انبیا، چون یوسف و موسی و داوود و سلیمان و محمد، علیهم‌السلام و از خلفا

چون ابوبکر و عمر و عثمان و علی، رضوان الله علیهم اجمعین که سر این منصب در وجود شریف ایشان ظهور کرد و ایشان به ادای حقوق آن، چنان که می‌بایست، قیام نمودند و سیرت‌های ایشان را بر ظالمان جافی و جاهلان عاصی حجت گردانیدند. پس، به جهت تنبیه ظالمان فاجر و فاسقان جابر که سلطنت و حکومت اهل اسلام را سرمایه‌ی تجبر و تکبر ساختند و عمارت و ولایت را دام شهوت نفس و هوا گردانیده و ظلم و شرارت را سلطنت پنداشته و فسوق و فجور را رسم بزرگی نموده، حکایتی چند از احوال سلطنت و ولایت و خلافت انبیا و اولیا و آثار حکومت اتقیای خلفای راشدین در این باب ایراد کرده آید، تا تذکره بود طالبان سعادت آن جهانی را و حجت گردد بر تابعان وساوس شیطانی و عاکفان مهاوی نفسانی، انشاء الله تعالی».

هدایت به نکوکاری، عدالت و انصاف، پیروی عقاید حمیده‌ی انسانی و دیگر خصلت‌های حمیده در تمام باب مذکور اثر، چون خط سرخ به نظر خواننده‌ی نازک‌بین می‌رسد.

علی همدانی به تکرار تأکید می‌نماید که شاهان و حاکمان پیوسته پی بهزیستی رعیت کوشش نمایند و این سلطنت چندروزه که نصیبشان گشته را سبب بلا و آفت اخرویشان نگردانند: «ای عزیز، چون از این جمله که گذشت معلوم کردی که انبیا و خلفای راشدین (رضی الله عنهم) در سلطنت و پادشاهی چگونه بوده‌اند و چگونه زندگانی کرده‌اند، با وجود قدرت و پادشاهی و خزاین چگونه بر نفس خود تنگ می‌گرفته‌اند و در محنت دنیا، به صبر زندگانی می‌کرده‌اند و در نشر آثار، به عدالت و شفقت و احسان بر خلق می‌کوشیدند و با این همه از خطرات ولایت و حکومت ایمن نبودند، تا بدانی که مباشرت ولایت مسلمانان کار عظیم و

اشتغال به حکومت، امر خطیر است. حاکم و پادشاه چون بر نهج عدل و احسان بود و در اقامت حدود شرع و نفاذ احکام دین کوشد، در زمین نایب برگزیده‌ی حق و سایه‌ی الهی و خلیفه‌ی رحمان باشد. و چون طریقه‌ی عدل و احسان بگذارد و بر بندگان حق شفقت نکند و متابعت نفس و هوا کند و اهمال اقامت حدود شرع روا دارد، وی به حقیقت، نایب دجال و دشمن خدای و رسول خداست و خلیفه‌ی شیطان است و گویی سعادت ابدی از میدان حکومت و سلطنت کسی برد که از سر انصاف تأمل کند و بداند که از کجا آمده است و آخر به کجا خواهد رفت و از آمدن او بدین عالم مقصود چیست...» (۱)

نسخه‌ی مذکور عبارت از ۳۰۸ صفحه بوده، سال ۱۹۰۵ در چاپخانه‌ی شهر لاهور به طبع رسیده است و گرچه از چاپ اثر صد سال گذشته، لکن به شکل بسیار خوب محفوظ مانده است. این نسخه از روی اشاره صفحه‌ی آخر، بر اساس نسخه‌ی چهارصدساله نشر گردیده است. در باره‌ی ارزش تاریخی اثر و سعی و کوشش در چاپ نوبتی کتاب از زبان شخصی به نام حاجی ذوالفقار چنین اشاره‌ای آمده است: «... با سعی بسیار و کوشش بی‌شمار بنده‌ی خطاکار، حاجی ذوالفقار ولد مرحوم مغفور آقای شیرمحمدخان... امید از ناظرین این کتاب مستطاب فیض استیصاب آن است که بعد از استفاده‌ی خیر، مصنّفه و محرّفه به دعای خیر یاد فرمایند که از نسخه‌ی چهارصدساله نقل کرده به کثرت وقت، برای فایده‌ی مؤمنان قدردان اهل اسلام...» (۲)

نسخه‌ای از «ذخیره‌الملوک» را دانشمند ایرانی سید محمود انواری سال ۱۹۸۰ برای چاپ آماده نموده است. خواننده‌ی تاجیک، نخستین بار سال ۱۹۹۱ توسط کتاب چاپ نموده‌ی قبله‌گاه [پدر] بزرگوارم رجب عصازاده و مؤلف این سطرها

تحت عنوان «شمه‌ای از «ذخیره الملوک» به طور مختصر آگهی پیدا نموده بود. (۳) سال ۱۹۹۳، مختصر ده باب این کتاب توسط مؤلف این سطرها، با پیشگفتار مفصل و پرمحتوای رجب عصازاده پیشکش خوانندگان گرامی گردید. (۴)

اثر با حمد و ثنای حضرت صمدیت آغاز می‌گردد. علی همدانی در مورد تألیف اثر چنین نگاه‌شسته است: «مدتی بود که جمعی از ملوک و حکمای اهل اسلام و اماجد و اشراف نوع انام که در استیلای اهل دین اهتمام می‌کنند، به سبب اکیده‌ی محبت و رابطه‌ای که با این ضعیف داشته‌اند، از این فقیر هر وقت التماس تذکره‌ی مفید می‌کردند و باعث عزم در ابراز آن معنی متردد بود...». (۵)

شرق‌شناسان روس «ذخیره الملوک» را «ساکراویشی گاسوداری؛ «Сокровище государей» ترجمه نموده‌اند. واقعاً هنگامی که کسی با مضمون و مندرجه‌ی این عصر آشنا می‌گردد، رساله‌ی پرارزش و پرمحتوای راهنمای حقیقی حاکمان و سلاطین را می‌بیند.

«ذخیره الملوک» ده باب دارد که به ترتیب عبارتند از:

۱- باب اوّل. در شرایط و احکام ایمان و لوازم کمال آن، که سبب نجات بنده است از عذاب ابدی و وسیلت وصول او به دولت و نعیم سرمدی.

۲- باب دوّم. در ادای حقوق عبودیت.

۳- باب سوم. در مکارم اخلاق و حسن خلق و وجوب تمسک حاکم و پادشاه به سیرت خلفای راشدین.

مردگی ۳۲ _____ ۷۲

۴- باب چهارم. در حقوق والدین و زوج و زوجه و اولاد و عیید و اقارب و اصدقا.

۵- باب پنجم. در احکام سلطنت و ولایت و امارت و حقوق رعایا و شرایط حکومت و خطر عهده‌ی آن و وجوب عدل و احسان.

۶- باب ششم. در شرح سلطنت معنوی و اسرار خلافت انسانی.

۷- باب هفتم. در بیان امر به معروف و نهی ازمنکر و فضایل و شرایط و آداب آن.

۸- باب هشتم. در بیان حقایق شکر نعمت و ذکر اصناف انعام و افضال حضرت صمدیت.

۹- باب نهم. در بیان حقیقت صبر بر مکاره‌ی مصائب دنیوی که آن از لوازم امور ولایت و سلطنت است.

۱۰- باب دهم. در مذمت تکبر و غضب و حقیقت آن و ختم کتاب.

از مقایسه‌ی سبک نگارش اثر چنین برمی‌آید که زبان آن ساده بوده، در اسلوب و طرز بیان به «نصیحه الملوک» غزالی و به «گلستان» سعدی خیلی شباهت دارد.

نویسنده ایرانی، مهدی درخشان «ذخیره الملوک» سید علی همدانی و «اخلاق ناصری» نصرالدین طوسی را در یک ردیف و اسلوب نگارش این دو شاه اثر را، با اسلوب نگارش «گلستان» سعدی شیرازی برابر می‌داند.

به قول محقق دیگر ایرانی سید محمود انواری، این دو اثر تحت تأثیر یکی از شخصیت‌های شناخته‌ی عالم اسلام و روحانی بزرگ ابوحامد غزالی (۱۰۵۸-۱۱۱۱) تألیف گردیده‌اند. حتی برخی از مسائل «ذخیره الملوک»، به قول انواری، ترجمه و رونویس «احیاء العلوم» غزالی هستند. البته این نکته بحث برانگیز است. در «ذخیره الملوک» علی همدانی نیز مسئله‌های اخلاق، اجتماعیات، دین و تصوف، بسیار بررسی شده است. این اثر جهان‌بینی و عموماً اندیشه‌ی صوفیانه‌ی او را روشن می‌گرداند.

متأسفانه، اثر مذکور تا کنون، چنان که باید آموخته [بررسی] نشده است. فقط محققین زمان که در باره‌ی میر سید علی همدانی سخن رانده‌اند، نسبت به بعضی مباحث اثر، عقاید خویش را بیان نموده‌اند.

مثلاً، شرق‌شناس آلمانی، «هرمان اته» باب‌های پنجم و ششم اثر را باب‌های اساسی و جوهر اساسی کتاب دانسته می‌نویسد: «در اوّل این کتاب سخن در باره‌ی اعتقاد و دعا می‌رود، سپس، مباحثه در باره وظیفه‌های اعضای خانواده و در باب-های پنجم و ششم که قسمت‌های مهم اثر به حساب می‌روند، در باره‌ی قانون‌های اداره کردن حکومت و مقصد و اصول دولت جداگانه به نظر می‌رسد.

دیگر ادیبان و فیلسوفان در پیروی بعضی از نکته‌های «ذخیره الملوک»، اثرهای جالب آفریده‌اند. دلیل روشن این باب‌های اساسی «نوادرالوقایع» احمد دانش در مورد سلطنت و رعیت می‌باشد.

چنان که ذکر نمودیم، مضمون و مندرجه‌ی «ذخیره الملوک» میر سید علی همدانی عبارت است از وصف معرفت و حکمت، ترنم اخلاق حمیده و مذمت اخلاق ذمیمه، ترغیب دوستی و رفاقت، حقوق عبودیت، هدایت به صبر و تحمل در مقابله‌ی رنج و مشقت، شکر و سپاس نعمت.

در مجموع این اثر رنگین و جالب توجه و دقت، خواننده را به راه راست رهنمون می‌نماید. اندرزهای حکیمانه‌ی این مرد فاضل در تمام دور و زمان برای تربیت پند و اخلاق بشریت کمک خواهند نمود. مثلاً در آداب پوشیدن لباس برای فرزندان، به قول علی همدانی، والدین باید از سن خردسالی آنان توجه نمایند. والدین از خردی در نهاد فرزند آداب پوشیدن لباس را به طوری تلقین نمایند که ایشان از خردی درک نمایند که پوشیدن جامه‌های رنگین و منقش خاص مردان نبوده، باعث پیدا گردیدن تفاخر و کبر و حسد می‌گردد. و این اعمال نامشروع در حیات منبده‌ی [آینده‌ی] فرزند تأثیر منفی خواهد رسانید: «... و از پوشیدن جامه‌های رنگین و ابریشم منع کند و او را آگاه کند که این پوشش زنان و مخنشان است. و فرزند را از صحبت کودکانی که به جامه‌های رنگین و ابریشمین پوشیدن و تنعیم کرده باشند، البته نگاه دارد که فساد اخلاق بیشتر اطفال از این است. و بدان سبب بیشترین صفت مهلکه از دروغ و نیمه و حسد و عجب و کبر و حرص و بخل و مکر و عذر در نهاد کودک رسوخ می‌یابد...» (۶)

هر گاه که راجع به علی همدانی و «ذخیره الملوک» او سخن می‌رانیم، نباید فراموش کنیم که این متفکر، فرزند زمان خویش و بدون تردید فرمانبر ایدئولوژی [عقیده و نظریه‌ی] حکمران جامعه بود. سرچشمه‌ی اساسی تألیفات این امیر کبیر پیش از همه قرآن و احادیث نبوی محسوب می‌گردیدند.

علامه در بیان تعلیمات تصوّفی خویش از آثار و تألیفات و اندیشه‌های نمایندگان مشهور جریان‌های مختلف ادب و تصوّف از قبیل ابو حامد غزالی، شیخ فریدالدین عطار، ابن عربی، سنایی، نجم‌الدین کبری، محمود شبستری، جلال‌الدین رومی، فردوسی، رودکی، شیخ الدوله سمنانی، عمر خیام، سعدی شیرازی، حافظ شیرازی و مانند اینها فراوان استفاده نموده است.

گرچه از تألیف این گنج پربهای معنی، بیش از ۶۰۰ سال گذشته، اهمیت تاریخی خویش را از دست نداده است.

پی نوشت‌ها و منابع و مآخذ:

- ۱- همدانی، میر سید علی، ذخیره الملوک، لاهور، ۱۹۰۵، ص، ۱۳۲.
- ۲- همدانی، میر سید علی، همان اثر، ص، ۱۳۵.
- ۳- عصازاده، رجب و حاتم، شمه‌ای از «ذخیره الملوک» میر سید علی همدانی، کولاب، ۱۹۹۱.
- ۴- عصازاده، رجب و حاتم. نصیحت نامه‌ی میر سید علی همدانی، کولاب، ۱۹۹۳.
- ۵- همدانی، میر سید علی. همان اثر، ص، ۲.
- ۶- همدانی، میر سید علی، همان اثر، ص، ۷۸.